

هو الحکیم*

عنوان:

تأید امام صادق علیه السلام از رؤیای زید



دکتر وحید باقر پورکاشانی



سیرتہاگھی SERATEHAGHI

کتاب مدینه المعاجز، مال سید هاشم بحرانی هست.
در جلد سوم، در ارتباط با کرامات امام صادق علیه السلام،
در صفحه‌ی ۴۴۳، روایت شده از غلام امام صادق علیه السلام
که می‌گوید: «شب‌ی درب منزل امام صادق علیه السلام را زدند.
بیرون رفتم و دیدم که عموی ایشان زید بن علی علیه السلام بود.»
زید بن علی بن الحسین، که خب قیامی هم می‌کنه و کشته
می‌شه، ایشان پسر امام زین العابدین علیه السلام هست،
و در خصوص ایشان آورده که غلام امام صادق علیه السلام
گزارش می‌کند حضرت صادق علیه السلام در خانه بودند،
نصف شب درب خانه روزدند، دیدم زید، عموی ایشان هست.
«در را باز کردم. امام به کسانی که نزدش بودند
فرمودند وارد اتاق کناری شوید و نزد من نیاید
تا وقتی عمویم زید بن علی علیه السلام برود.
پس آنان وارد اتاق کناری شدند و من نیز وارد اتاق شدم
و سپس زید بن علی وارد منزل شد.

بعد از سلام و احوالپرسی، با هم گفتگو می کردند.
راوی می گوید در حین صحبت های آنها شنیدم که
زید بن علی خطاب به امام صادق علیه السلام گفت: اگر با من
بیعت نکنی من دستم را دراز می کنم تا با تو بیعت کنم».
خب زید می خواسته بر علیه خلیفه ی غاصب زمان شورش
بکند، یعنی مقابله بکند، جمعی از شیعیان رو هم
به سمت خودش جمع کرده بودمی خواست رضایت
امام صادق علیه السلام رو هم بگیرد برای این قیام،
می گفت با من بیعت کن. بعد فرمودند: «هیچ ربطی به
تو ندارد و هیچ تکلیفی برای تو نیست و قادر بر آن نیستی.
به راستی که جهاد را ترك کرده ای و در پنهان و صلح
نشسته ای و بر ثروت مشرق و مغرب احاطه داری».
این حرف ها را زید به امام صادق علیه السلام می زند. می گه
این کار تو درست نیست که ما می خوایم در مقابل باطل
بایستیم تو نشستی خانه نشین شدی! بی طرف هستی!

«امام علیه السلام به او فرمود: خدا رحمتت کند
ای عموجانم! خداوند تو را بیامرزد ای عمویم!
زید گفت: وعده‌ی ما صبح است.

و این آیه را خواند: ﴿الَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ﴾

تا صبح، وقت بسیار نیست». یعنی من صبح می‌آیم
برای بیعت با تو! و تو باید بپذیری! چرا؟ چون تو را
امام می‌دونند! و اگر رضایت تو باشد اون شیعیان دیگه
هم میان به من ملحق می‌شن و من تو این قیام موفق می‌شم!
«سپس بلند شد و رفت. وقتی زید بن علی رفت،
بیرون آمدیم و در مورد زید چیزی گفتیم. امام فرمود:
صبر کنید! چیزی در مورد عمویم زید نگوید
مگر ذکر خیر ایشان را. خدا عمویم را رحمت کند».
ما اومدیم بدش رو می‌گفتیم چه حقی دارد
به امامش می‌گه تو خانه‌نشین شدی و صبح هم میام
و به زور می‌خواد از آقا بیعت بگیره! ایشان گفتند
چیزی نگیرد، صبر بکنید در مورد عمویم،

پشت سرش چیزی نگوید! «راوی می گوید
هنگام سحر، درب منزل امام به صدا آمد، در را باز کردم
يك باره دیدم که زیدبن علی با گریه و زاری وارد منزل شد.
وقتی نزد امام صادق علیه السلام رسید،
با همان گریه و زاری می گفت: ای جعفر! مرا ببخش!
خداوند تو را ببخشد، از من راضی شو! خدا از تو راضی شود،
از من بگذر، خدا از تو بگذرد!» زید پشیمان بود نسبت به
این حالتی که نسبت به امام صادق علیه السلام داشت.
«امام علیه السلام به او گفت: خدا از تو بگذرد و تو را ببخشد
و از تو راضی گردد. عمویم چه شده که چنین حالی داری؟»
یعنی شب که آمدی جور دیگری بودی،
ما رو عتاب می کردی! «عرض کرد: برادرزاده‌ی من!
من وقتی در منزل خوابیدم، يك باره در رؤیای صادقه دیدم
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نزد آمد،
در حالی که امام حسن علیه السلام طرف راست،
امام حسین علیه السلام طرف چپ،

فاطمه الزهرا سلام الله علیها پشت پیامبر، و امیرالمؤمنین
علی علیه السلام در حالی که نیزه‌ی آتشین در دست داشت
جلو راه می‌رفت که علی بن ابیطالب علیه السلام به من فرمود:
ای زید! به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم
را به خاطر فرزندش جعفر بن محمد اذیت کرده‌ای!
به خدا قسم اگر جعفر بن محمد تو را نبخشد و از تو نگذرد،
این نیزه‌ی آتشین را بین دو کتفت فرو می‌برم و آن را از
سینه‌ات خارج خواهم کرد! یک باره به حالت
ترس و پریشانی از خواب پریدم. پس مرا ببخش و
از من بگذر! خدا رحمت کند». خب می‌گه من
چنین خوابی دیدم، مورد عتاب شما را قرار دادم، اشتباه کردم!
من را ببخش! «امام به او فرمود: خداوند از تو راضی
شود و از تو بگذرد و تو را ببخشد! عمو جان! وصیت کن
زیرا به دار آویخته می‌شوی و در آتش، تو را خواهند سوزانید!»
دقت بکنید این را در این کتاب آوردند،
در مناقب ابن شهر آشوب هم آمده، جاهای دیگه هم آمده.

خوابی را زیدبن علی بن الحسین می بیند. کاری را ابتدا
انجام داده که کار خلاف شرع بوده!
آمده امام صادق علیه السلام را می خواد مجبور بکند
که با او بیعت بکنند! حجت خدا رامیاد عتاب می کند!
خوابی را دیده، این خواب گفته آقا جان این برخورد تو اشتباه بوده!
چه خواب را می دید چه خواب را نمی دید، این برخورد
اشتباه بوده! چه زیدبن علی، این خواب را می دید
چه خواب را نمی دید، عتاب به امام، شماتت امام،
تاختن به امام، امام را مجبور به بیعت کردن، کار باطلی بوده!
این نکته اول روشن بشه!

پس خوابی که دیده، این خواب دو حالت داره:
یا این خواب از ناحیهی رحمان بوده یا خواب از ناحیهی
شیطان بوده. یا اصلاً خواب رحمانی و شیطانی نبوده،
اون چه که در ذهنش بوده اتفاق افتاده!
به هر حال چیزی که امام صادق علیه السلام
این جا گزارش می کنند، چند مسئله است:

اولاً نمی‌گن تو خوابت رحمانی بوده، امام صادق علیه‌السلام
خبر غیبی می‌دن! وقتی بقیه می‌خوان پشت عموشون
صحبت کنند، می‌گن صبر بکنید! خدا عمویم را رحمت بکنه!
خدا عمویم را بیامرزه! یعنی می‌دانند که چنین خوابی
اتفاق می‌افتد! امام علیه‌السلام می‌داند که ایشان به
واسطه‌ی خوابی برمی‌گرده! امام می‌داند! و امام مواجه می‌کند
با اطرافیان؛ یعنی اگر امام مهر تأیید بزند درست هست.
یعنی امام چی می‌گه؟ می‌گه قضاوت نکنید،
عمویم بر می‌گرده. عمویم برمی‌گرده یعنی يك مسأله‌ای هست
که خدا این را آگاه می‌کند! این خودش يك دلیلی هست بر این که
امام علیه‌السلام قبل از اینکه زید بخواهد این گزارش را بده
امام می‌گن که این پشیمان می‌شه، این برمی‌گرده، این توبه می‌کند.
این نوعی تأیید نسبت به این خواب هست.
ببینید ما اگر در عصر حجت خدا باشیم، يك خوابی را
ببینیم يك کشفی را ببینیم، حجت خدا بگه
آقا جان این رحمانی هست، تموم هست!

اما اگر حجت خدا نباشد رحمانی یا شیطانی نمی‌دانیم!
نکته‌ی دوم: گیرم هم شیطانی یا رحمانی باشد،
باز هم این خواب حجیت نیست! حجیت خود حجت خداست
که تو آمدی - زید - در مقابل امام صادق علیه‌السلام مقابله
کردی! اصلاً نیازی به این خواب نبوده! تو اگر امام‌شناس
بودی نباید مقابله می‌کردی! اگر امام‌شناس بودی،
این کار را کردی فسق انجام دادی! حالا خوابی بوده به‌عنوان تذکر،
يك تلنگری بوده به تو، اما چی معیار هست؟!
عدم مخالفت معیار هست! امام علیه‌السلام
علم غیب دارد و این دلیل بر این هست که حجت خداست!
کجاش علم غیب را می‌رسونه؟ اینکه یکی وقتی که زید می‌خواد
بره، بقیه بد پشتش می‌گن، امام می‌گن عتابش نکنید
این برمی‌گرده! نکته‌ی دوم این هست امام به او فرمود:
«خدا از تو راضی شود و از تو بگذرد و تو را ببخشد،
عموجان وصیت کن زیرا به دار آویخته می‌شوی و در آتش
تو را خواهند سوزاند».

این قسمت را من به‌عنوان معجزه اقامه کردم نه خوابش؛
یعنی از کرامات امام صادق علیه‌السلام که عرض کردم،
این بوده که امام می‌دانسته که عموی بزرگوارشان را به
دار می‌کشن و بدنش را می‌سوزانند،

و دقیقاً همین اتفاق می‌افتد!

این را به‌عنوان معجزه‌ی امام من اقامه کردم،

نه به‌عنوان خوابی که چون زید دیده می‌شه معجزه!

دوتا بحث هست: یکی که امام علم غیب دارند می‌دانند

عمو جاننش برمی‌گردد، می‌گه که برمی‌گردد،

این خودش يك خبر غیبی هست، این يك کرامت هست!

یکی که می‌داند عمو جاننش شهید می‌شه کیفیت

شهادتش را هم می‌گه به دار می‌کشونش و می‌سوزانش،

و دقیقاً همین اتفاق می‌افتد!

این را من مطرح کردم،

وگرنه خواب که این‌جا به‌عنوان حجت مطرح نمی‌شه.